

بسمه تعالی

درس گفتارهایی در فلسفه اخلاق

سروش دباغ

خلاصه از معین مرادی (dialectic.blog.ir) - بخش هشتم

می توانید برای دریافت قسمت های دیگر به وبلاگ دیالکتیک (البته در صورت آپلود شدن) مراجعه فرمایید.

وظیفه گرایی

در گزاره های اخلاقی یک محمول داریم یک موضوع. در بحث فرااخلاق بیشتر به محمول ها و از نظر وجود شناسی، دلالت شناسی و معرفت شناسی پرداخته می شود. در بحث اخلاق هنجاری بیشتر به موضوعات و ویژگی های سبک های اخلاقی می پردازیم و اینکه آیا می شود قواعدی را پیدا کرد که ضامن اتصاف صحیح ویژگی های سبک بر موضوعات باشد یا نه؟

سوال: آیا فرااخلاق مقدمه حتمی اخلاق هنجاریست؟

پاسخ: فرااخلاق بحث فلسفی راجع به محمول های اخلاقی و اخلاق هنجاری راجع به نوع رابطه بین این محمول ها و موضوعات است. البته که باید مفهوم خوبی و بدی را اجمالا دانست ولی موضوع، اینجا ساماندهی این ارتباط است.

اخلاق وظیفه گرا به دو دسته تقسیم می شود: ۱- وظیفه گرایی عمل محور - ۲- وظیفه گرایی قاعده محور

۱- وظیفه گرایان عمل محور معتقدند در هر موقعیتی فقط یک عمل منحصر به فرد مربوط به همان موقعیت وجود دارد که قابل تعمیم به موقعیت های دیگر نیست. دو دسته هستند: ۱- تصمیم گرایان - ۲- شهود گرایان.

۱- تصمیم گرایان بر این عقیده اند که درستی یا نادرستی یک تصمیم در خارج از تصمیم گیرنده وجود ندارد و این درستی یا نادرستی از تصمیم فرد حاصل می شود. ژان پل سارتر از مشهورترین مدافعان این نوع اخلاق است.

۲- شهود گرایان معتقدند در هر تصمیمی انسان با کنکاش در وجدان و فطرت خودش میتواند درستی یا نادرستی تصمیمش را پیدا نماید

۲- قاعده محور ها که اکثر وظیفه گرایان را شامل می شند قائل به وجود یک سری قواعد جهان شمول برای داوری های اخلاقند. دو دیدگاه برای کشف این قواعد وجود دارد: ۱- شهود گرایی (مثل راس) - ۲- عقل گرایی (مثل کانت).

در این بخش به آرای کانت می پردازیم. او این نحله را دسته بندی کرد و سعی کرد مبنای سکولار برایش ایجاد کند. بر این مبنا نتیجه تصمیمات اخلاقی برای تشخیص درستی یا نادرستی بی فایده است و احکام اخلاقی منسلخ از دنیای واقع و اثری که فعل برآمده از آنها در دنیای واقع دارد، و فقط بر اساس دستوراتی که عقل میدهد ارزش گذاری میگردند.

این آرای کانت از سه کتاب *نقد عقل محض*، *نقد عقل عملی* و *بنیاد مابعدالطبیعی اخلاق* است. شخصیت سیاسی و اجتماعی کانت خود در عمل به مطالب آمده در دو کتاب آخر از این کتب پایبند نبود. قبل از توضیح بیشتر مختصری درباره فلسفه کانت میگوییم:

کانت در کتاب *عقل محض* از چهار خصوصیت پیشینی و غیر تجربی موجود در انسان صحبت میکند که این ها باعث معنادار شدن مفهوم تجربه در آدمی میگردد. فاهمه، مکان، زمان و من استعلایی. برای توضیح می توان به مثلاً یکسانی همان "من" ی اشاره کرد که در لحظه الف در حال مشاهده پدیده ایست با "من" ی که در لحظه ب همان پدیده را مشاهده میکند. اگر این دو فرد دو فرد مختلف باشند چگونه می توان

از امکان معرفت یابی برای آن "من" صحبتی کرد؟ این یکسانی‌ها مبنی بر تجربه نیست ولی تمام تجربه ما برگرفته از همین مفروضات استعلایی است.

به تعبیر کانت تمام تجربیات ما زمانمند و مکانمند هستند و در زمان و مکان محقق می‌شوند اگرچه این زمان و مکان در خارج از ما وجود ندارند زمان و مکان ماده خامی را که از حس بدست می‌آید قالب بندی میکنند و با مدخلیت مقولات فاهمه، معرفت حاصل می‌شود. در حقیقت زمان و مکان، فاهمه، سوژه تجربی و ابژه تجربی همه در من استعلایی قرار گرفته‌اند؛ و فقط با مفروض گرفتن این مقولات غیر تجربی است که ابژه تجربی برای سوژه تجربی ابژه می‌شود.

این نظریات کانت اولاً و بالذات معرفت شناسانه‌اند چون درباره مفروضات پیشینی و حتمی که معرفت سوژه را از ابژه ممکن می‌سازند صحبت میکنند. اما سوالی مطرح می‌شود که درباره تجربیاتی که مربوط به ماده نیست چه حکمی میتوان داد؟ اینجاست که کانت ابداعات خود را در باب اخلاق ارائه میدهد. اگر با این فلسفه‌ای که از کانت ارائه شد تحلیل کنیم چون اخلاق اطلاعات حسی‌ای در اختیار نمی‌گذارد پس ما هم نمی‌توانیم به آنها معرفتی پیدا کنیم و لذا در جهان پیرامون خود نمی‌توانیم خبری از ویژگی‌های اخلاقی بیابیم و از اساس چیزی به نام معرفت اخلاقی معنا نخواهد داشت.

از نظر کانت، ما (سوژه‌ها) از این نظر که بدنی گوشت و پوست دار داریم محکوم به تبعیت از تمام قوانین طبیعت هستیم و مثلاً جاذبه نیوتونی و نسبیت انیشتینی به صورت لایتخلف بر ما هم وارد می‌شود و در این زمینه چیزی به اختیار ما نیست؛ لذا این امور قوام بخش انسانیت ما نیستند. از طرفی بسیاری اتفاقات که در طبیعت رخ میدهد، غیر اخلاقی‌اند (توجه: غیر اخلاقی با ضد اخلاقی فرق دارد). مثل زمانی که برای رفع عطش آب می‌خورید یا از سر غلیان احساساتان به مستمندی کمکی میکنید. چون رفع عطش و اعمال حاصل از عاطفه را رفتاری در چارچوب قوانین طبیعی میدانند.

سوال: کی وارد وادی انسانیت و اخلاق می‌شویم؟

پاسخ: کانت اراده و آزادی را دو عنصر اساسی برای اخلاقی انگاشتن فعل آدمی میدانند. در کل اراده خیری را که در عین آزادی برای انتخاب شری صورت گیرد ورود به وادی انسانیت و ورای قوانین طبیعت می‌داند.

سوال: جایگاه این نوع اخلاق در فلسفه کانت کجاست؟

پاسخ: کانت عقل نظری را مسئول تکمیل شناسایی انسان از جهان خارج و عقل عملی را مسئول به ظهور رساندن اراده میدانند. اراده‌ای که از مقومات سوژه متافیزیکی است و از عالم خارج نیست و اقتضانات هنجاری انسان بودن انسان است. انسانیت حکم میکند که من اراده‌ام را فعال کنم تا در قالب اصول اخلاقی بنیادین راهنمای عملم گردد.

اخلاق کانت اخلاق ناواقع‌گراست و در آن، ویژگی‌های اخلاقی در عالم خارج وجود ندارند. ولی باید توجه داشت که در این فلسفه، اخلاق به عنوان گزاره‌های پیشینی و لذا معرفت بخش قرار دارند پس معرفت شناسانه است. ضمن اینکه انسانیت را با اخلاق تعریف میکند و اگر ارسطو انسان را حیوان ناطق می‌دانست او انسان را حیوان اخلاقی میدانند.

سوال: اگر طبیعت را به اینصورت تعریف کنیم که اراده و آزادی هم اموری طبیعی باشند خود اخلاق کانت هم غیر اخلاقی میشود و اساساً اخلاقی نمی‌ماند؟

پاسخ: اینطور نیست. اراده و آزادی در منظومه کانت صبغه استعلایی دارند و نسبتی با آن چه در پیرامون ما میگذرد ندارند. یعنی این اراده و آزادی اگر انسان به کرات دیگر هم سفر کند و در سیر قوانین طبیعتی دیگر هم قرار گیرد دست نخورده و مقوم انسانیت انسان باقی می‌ماند.

صورت بندی‌های سه‌گانه کانتی در اخلاق:

۱- «تنسيق اول امر مطلق (خود آيينی يا قانون عام): هرگز نبايد به شيوه ای عمل کنم که نتوانم اراده کنم که ضابطه رفتاری من به صورت قانون عام درآيد.»

۲- دومين تنسيق (احترام به کرامت انسان يا اصل غايت بودن انسان): «چنان عمل کن که انسان را خواه شخص خودت و خواه ديگران همواره غايت بدانی نه هرگز صرفا وسيله.»

۳- سومين تنسيق عبارتست از قانون گذاری برای جامعه که ابعاد اجتماعی بیشتری دارد: «همه رابطه های ناشی از قانون گذاری خود ما بايد با یک ملکوت امکانی غايت چنان هماهنگ باشد که گویی آن ملکوت طبيعت است.» تنسيق سوم ميگويد اجتماع انسان هايی که برای آن ها غايتمندی انسان مهم باشد به تشکيل یک جامعه انسانی می انجامد. (اين تنسيق از بقيه تنسيق ها درجه اهميت کمتری دارد)

تنسيق اول، اصل طلايی اصول کانتی است و ميگويد برای تشخيص درستی يا نادرستی یک عمل، وقتی آن را در اين تنسيق ميگذاريم نبايد واجد تناقض شود. مثال: اگر ميخواهيد وعده دروغ دهيد بايد ببينيد اگر قانونی باشد که همه وعده ها لزوما دروغ باشد اين قانون خودش را نقض ميکند يانه؟! طبيعی است که اگر همه وعده دروغ بدهند چون همه ميدانند وعده ها دروغ اند ديگر کسی وعده ها را قبول نخواهد کرد و اساسا وعده ای ديگر محقق نخواهد شد. اين متضمن نقض خود قانون و در نتيجه درست نبودن وعده دروغ است.

صورتبندی دوم از تقابل استفاده ابزاری از انسان ها و حفظ کرامت آن ها شکل می گيرد. عملی که منافی با کرامت انسانی ديگران باشد و به آنها صرفا به ديد یک ابزار نگاه کند غير اخلاقی است. دقت شود که همه رفتار ما لازم نيست به حفظ کرامت انسان مقابل بيانجامد چون خیلی از رفتارهای ما نه نافی کرامت است و نه حافظ آن. مثلا ما از هنر آرايشگر استفاده ميکنيم و هزينه زحمتش را می پردازيم اما کاری نمی کنيم که کرامت انسانی اش خدشه دار شود. کانت در اين زمينه برده داری و روسپی گری را مثال می زند که نگاه ابزاری محض به انسان هاست.

توضيح صورتبندی سوم آن که ملکوت غايات يعنی جایی که همه انسان های به غايت رسیده در کنار هم زندگی ميکنند. اين تنسيق بيشتر جنبه حقوقی و اجتماعی دارد و به قول شارحان کانت بيشتر صبغه مسیحي دارد. منظورش اين است که انسان هايی که خود آيينند ميتوانند با در کنار يکديگر قرار گرفتن برای تحقق ملکوت غايات قانون گذاری کنند و جامعه ای اخلاقی بسازند.

سوال: چطور اخلاق کانت یک اخلاق معرفت شناسانه است در حالی که استعلایی و پيشینی فرض می شود؟
پاسخ: گزاره های اخلاقی کانت پيشینی محض نيست. در واقع ميتوان گفت ترکیبی-پيشینی است. به اين معنا که اگر چه کاشف از عالم خارج نيستند، اما ذهن درباره آن ها حکم ميکند، همانطور که درباره احکام رياضيات حکم ميکند. او معتقد بود ذهن ما ماده خام همه احکامش را از خارج نگرفته. برخی از آن ها از خارج آمده و با پردازشی که اشاره شد به قالب مشخصی در آمده اند و به معارف ما اضافه شده اند و برخی ديگر هم مانند اعمال رياضيات هستند که قوه حکم درباره آن ها حکم صادر می کند. پس اگر بخواهيم به صورت صلیبی به اشتباه بودن امر مطلق پی ببريم يا نقدی بر آن وارد کنيم بنظر ميرسد بايد به سراغ لوازم فلسفی آن برويم يا اگر تئوری صدق آن مطابقت باشد، بايد نشان دهيم که منظومه با مشکل مواجه می شود. پس باب گفتگو در خصوص اين امور باز است.